

## مقدمه و متن

### پیش نویس قانون اساسی

در ابتدا شش نفر ذیل :

ناصر کاتوزیان، فتح الله بنی صدر، حسن حبیبی، احمد صدر حاج سید جوادی، عبدالکریم لاهیجی ، جعفری لنگرودی  
متن پیش نویسی را تهیه نمودند. کمیسیون نهایی برای نوشتن متن پیش نویس قانون اساسی ، ولی از افراد ذیل تشکیل  
گردید و پیش نویس نهایی قانون اساسی با متن اولیه تفاوت دارد :  
یدالله سبحانی، کریم سنجایی، مرتضی مطهری، عزت الله سبحانی، ابوالحسن بنی صدر، و دکتر صحت از حزب ملت ایران و دو  
قاضی از دیوان عالی کشور .

متن زیر پیش نویس کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مقدمه آن است که به قلم آقای ابوالحسن بنی صدر نوشته شده است . این متن  
مورد قبول آقای خمینی نیز واقع شده است .

### بسم الله الرحمن الرحيم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که اینک به تصویب ملت ایران می رسد، در ارکان و بنیادها و حقوق و تکالیفی که  
پدید می آورد، ترجمان مبارزه ای است که از آغاز تا روزگار محمد (ص) و از آن زمان تا امروز برای تحقق توحید بنحو  
پیگیر ادامه یافته است. این قانون بیان آرمانهائی است که در جریان انقلاب دوران ساز ملت ایران در شعار استقلال،  
آزادی، جمهوری اسلامی تبلور یافته اند. این قانون بر جای نظامی که در یک دوران بسیار طولانی، زورمداری را در صورت  
شاهنشاهی اصل می شمرد و انسان را تا حد وسیله تحقق استبداد مطلقه ناچیز و زبون می کرد، پایه نظامی را استوار  
می گرداند که به افراد و آحاد ملت امکان می دهد از طریق دستیابی به استقلال کامل در اسلام آزادی بخش، بر دامنه  
آزادیهای خود بیفزایند.

در پی فروریختن دیواره شب دیرپای شاهنشاهی و آغاز روز استقلال و آزادی که تابش خورشید اسلام نوید آنرا  
می دهد، زمان آن رسیده است که قرنهای مبارزه ملت ایران و همه مستضعفان روی زمین در شالوده گذاری جامعه  
پیشاهنگی به ثمر نشیند که در آن انسان، آزاد و مختار و مسئول و رهبر نظام توحیدی در پهنه ایران و جهان بگردد. در  
آن انسانی فعلیت پیدا کند که بر روی زمین مقام و منزلت انسانیش را در نظامهای ستمگرانه، بزور ستانده بودند و از  
مسند خلیفه اللهیش به ژرفاهای تدنی ها فروافکنده بودند.

این انقلاب ظفرمند باید به بیرون رفتن از نظامی جهانی بیانجامد که در آن از دیرباز حاصل کار و سعی تمامت انسانها  
در کشورهای مسلط و زیر سلطه بقدرت های تخریبی بدل می گردد و در خدمت تکاثر قدرت سیاسی و سرمایه و ادامه  
نظام های اجتماعی مبتنی بر زور، بکار می افتد. ابعاد این قدرتهای تخریبی چنان بزرگ شده اند و با چنان شتابی بزرگتر  
می شوند که انسانیت این عصر در اضطراب و سرگیجه ای طاقت شکن، مرگ فرهنگ آزادی و تباهی فطرت انسانی  
خویش را نزدیک و نزدیکتر می بیند. در بحبوحه این پریشانی و از خودبیگانگی، ملت ما در جریان انقلاب بر اساس رابطه  
انسان و خدا، از تفرقه به وحدت گرائید و کاری را که ناممکن می نمود به انجام رساند و اینک می خواهد با استوار کردن  
بنیاد جامعه توحیدی، افق رهائی و آزادی را بروی خود و همه انسانیت بگشاید. در حقیقت ملت، برای رهائی از نظام  
شاهنشاهی بجای ماندن در نظام جهانی و تکیه کردن به این و آن ابرقدرت، بخود تکیه کرد و از راه برادری و برابری که در  
رابطه با خدا معنی دار می شود، بوحدتی استوار رسید و در جریان بیرون رفتن از سلطه همه جانبه قدرتهای جهانی،  
موجبات پیروزی فرهنگ توحید، فرهنگ قدیم و قویم خویش را بر فرهنگ سلطه گران فراهم آورد.

نزدیک به دو قرن سلطه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و حاکمیت گروه‌هایی که ابزار این سلطه بودند، موجب غفلت از اصل خود شده بود. در حقیقت ملتی که همواره از جانب مهاجمان در میان گرفته شده بود و طبیعت موطنش نیز هر روز بیشتر از پیش بخشی و ناسازگاری می‌گرایید، چگونه می‌توانست بدون فرهنگی که ره آورد مبارزه حیاتی او بود، به حیات خویش ادامه دهد. استقلال در این فرهنگ تعریفی ویژه می‌یابد: جامعه آزاد و توحیدی آن جامعه‌ای است که نه مسلط و نه زیر سلطه، نه ستمگر و نه ستم‌پذیر و یار ستم‌دیده علیه ستمگر است.

بدینسان استقلالی که در جمهوری اسلامی جریان آن آغاز می‌گیرد، بیرون رفتن از همه مناسبات و تناسباتی که بدانها کشور ما بطور روزافزون غارت می‌شد و مردم ما اسیرتر می‌گشتند. وقتی استقلال همه جانبه تحقق می‌پذیرد، آزادیها نیز واقعیت پیدا می‌کنند. آزادی در استقلال و استقلال در آزادی و تحصیل این دو در اسلام ممکن می‌گردد.

بدینسان آزادی نیز تعریفی دیگر می‌یابد. در حقیقت بر پایه رقابت حدود عمل هر فرد را توانائی رقیب تشکیل می‌دهد و کار قانون در تنظیم رقابت‌ها خلاصه می‌شود. بر این پایه، «دمکراسی» کاربردن جز این ندارد که به تابعیت انسان از تمرکز و تکاثر قدرتهای سیاسی و اقتصادی در محدوده نظام طبقاتی قرار و قاعده ببخشد. فرد که بظاهر اصیل شمرده می‌گردد، وسیله ایجاد و رشد قدرت تباه‌کننده‌ای می‌شود که زمان به زمان دائره آزادی ادعائی و میدان عمل را تنگ‌تر نیز می‌سازد و جامعه نه عرصه سعی انسان در فراگرد رشد که تنگنای فعالیت تخریبی او می‌گردد. نه فراخنای آزادی، که حصار بندگی و زندان تباه‌گر استعدادهاى او می‌شود.

وقتی در عرصه قدرت جوئی، میدان عمل تنگ‌تر می‌شود و اختیار انسان در فعالیت‌های سازنده کمتر و در عملیات تخریبی فزونتر می‌گردد، بتدریج جستجوی رشد و آزادی جای خود را به جستجوی قدرت‌ها می‌دهد. تمرکز و تکاثر زور و قدرت‌های ویرانگر جای رشد انسان و فراخی جستن افق آزادیهای او را می‌گیرد. در جریان رشد قدرت‌های سلطه جوی اقتصادی و سیاسی، لاجرم انسان بعنوان انسان از صحنه بیرون می‌رود تا بعنوان آلت این قدرت‌ها به صحنه بازگردد. از اینروست که در «دمکراسی»‌های غربی و شرقی که دو شکل یک واقعیت یعنی همان زورمداری هستند، روز به روز آزادیهای انسان محدودتر می‌شوند و زمان به زمان از آهنگ رشد واقعی او کاسته می‌گردد. در حقیقت بازیستادن از فعالیت‌های تخریبی و پرداختن به سازندگی و رشد مقدمات لازم آزادی هستند. با ابتکار و سازندگی رشد حاصل می‌شود و وقتی حاصل سعی، بکار افزودن بر امکان رشد رفت، بر دامنه آزادیها افزوده می‌گردد. جامعه‌ای که در آن انسان و رشد او هدف فعالیت‌ها قرار می‌گیرد، انسان‌ها از تخریب خود و یکدیگر باز می‌ایستند و در جریان ساختن و ساخته شدن خویش قدرت‌های مخرب را منحل می‌گردانند و جامعه آزاد توحیدی را بدینسان بنا می‌کنند.

برگرداندن جریان شتاب‌گیر تخریب به سازندگی و مسیر غی به رشد و جهت انقیاد به آزادی، بدون قبول تصویری که اسلام از انسان بدست می‌دهد، میسر نمی‌شود. در حقیقت انسان در مقام خلیفه خدا، در مداری باز قرار می‌گیرد. در این مدار و در گذر دائمی به معنویت کران‌ناپیدا از هر تنگنای آزاد می‌شود. وقتی نظام اجتماعی بازتاب این برداشت از انسان و قلمرو عمل او گشت و قانونها و قرارها، نه ترجمان موازنه قوا که بیانگر توحید انسانها شدند، دیگر انسان خود و جامعه و طبیعت را رقیب و خصم، و عرصه زندگی اجتماعی را جو خفقان آور نمی‌یابد، بلکه خود و جامعه و طبیعت را یار می‌جوید. بدینسان وقتی رابطه انسان و خدا اساس قرار می‌گیرد و قوانین چنان تنظیم می‌شوند که در جامعه انسانها در موازنه قوا و تقابل‌های کاهنده قرار نگیرند، تنها یک مسابقه بر جا می‌ماند و آن مسابقه در سازندگی و رهبری به رشد و در نتیجه گسترده‌تر کردن افق آزادی این آزادی است.

ارزشهائی که از طریق قوانین و قرارها، ضابطه اندیشه و عمل در شالوده‌گذاری نظام اجتماعی توحیدی می‌شوند، پرتو این تصویر از انسان هستند. این ارزشها یکسانی انسان را با خویشستن خویش و با خانواده و با جامعه خودی و با جامعه جهانی و انسان جامع، خلیفه الله بیان می‌کنند:

اگر نابرابری در استعدادها در نظام اجتماعی نامطلوب به نابرابری بر پایه زور و تشخیص طلبی تبدیل نشود و نظام اجتماعی چنان گردد که امکان دهد هر کس استعداد خویش را در مقام مسئول خود و همگان، در جستجوی هویتی جامع‌تر برای خود و دیگران بکار اندازد، جریان رشد یک رشته‌گذار از نابرابری به برابری و از نقص به کمال و از انقیاد به آزادی

می‌گردد. بدینسان توحید به مثابه ارزش، تنها خود را با هم‌نوع یکسان شمردن نیست، بلکه سعی در رشد دادن خود و هم‌نوع و در این رشد با یکدیگر همسانی جستن نیز هست. این توحید مساعی ممکن نمی‌شود مگر آنکه انسان و جامعه انسانی بعنوان مطلق نفی گردند یا که مبانی عینی و ذهنی که موجب می‌گردند آدمیان در گروه‌های متخصص نیروهای خویش و استعدادها و منابع طبیعت را علیه یکدیگر بکار اندازند، از میان برداشته شوند تا انسان در نظام توحیدی **بعث** کند و راه خویش را بسوی خدا سر راست گرداند. بعثتی که اسلام ارزش می‌کند، حرکت پیوسته و مداوم انسان و جامعه او در نظامی است که در آن هر کس سعی خویش را بکار می‌برد تا همراه دیگران از بندگی طاغوت آزاد گردد.

بدین‌نقار در شالوده‌گذاری جامعه اسلامی ایجاد برابری در امکان کار، و مشارکت و فراهم آوردن اسباب جهاد علیه طاغوت که بر اندیشه و باور و روابط اجتماعی ما، بساط حکومت مطلقه گسترده است باید از اولویت کامل برخوردار گردد. باید قلمروهای سیاست و اقتصاد و روابط اجتماعی و فرهنگ، قلمروهای جهاد علیه طاغوت شناخته گردند و اخلاق دینی و قانون، تداوم این جهاد را تضمین کنند تا که انقلاب بزرگ ما به‌هدف خویش برسد، در ایران مردم از سلطه خارجی و استبداد همزاد او بیاسایند و در ایران و جهان وعده خدا تحقق یابد و زمین و رهبریش از آن مستضعفان جهان بگردد. تا وقتی اصالت فرد یا جامعه تا بدانجا مطلق شود که انسان نتواند از خود فراتر برود، به سخن دیگر تا زمانی که قانون اسباب مشارکت عموم در مسئولیت‌ها و رهبری را فراهم نیآورد و انسان بمثابه پیشاهنگ و موجودی که از خود فراتر می‌رود، شناخته نگردد، این وعده جامعه عمل بخود نمی‌پوشد.

همگانی کردن رهبری و مسئولیت و فراهم آوردن همه اسباب تحقق این مقصود و بخصوص ارزش کردن کار رهبری در مسیر رشد، شرط رشد و آزادی انسان و به منزله اعتراف قانونی بحق و مسئولیت فرد فرد مردم کشور در ساختمان جامعه توحیدی و شرکت در رهبری جامعه جهانی در جهت استقرار قطعی توحید در جهان است.

بدین‌نقار ارزش کردن کار رهبری بدانست که قانون در جهت دادن به تحول اجتماعی اسبابی فراهم آورد که هر کس بتواند فراخور استعداد خویش در مسئولیت بزرگ رهبری شرکت کند، همه امام یکدیگر و مسئول یکدیگر بشوند آنسان که هر کس معرف نیرو و اراده و هویت و رهبری جمع در صراط مستقیم بازگشت به خدا گردد. عدالت واقعی همین است. عدالت ضابطه تشخیص رهبری اسلامی از غیر آنست. در حقیقت اگر پذیرفته شود که همه مسئولند و شرکت در رهبری حق و مسئولیتی از آن فرد فرد مردم است، خط عدالت آن خطی می‌شود که در آن همه نسبت به یکدیگر فعال باشند و همه برای یکدیگر حق داشتن عرصه عمل را بپذیرند و قانون تأمین عرصه سعی و عمل برای همه را وظیفه مقدم دولت بدانند. اندیشه توحیدی نمی‌پذیرد که افزودن بر عرصه سعی و کار یکی با کاستن از عرصه سعی و کار دیگری ملازمه پیدا کند و بر آنست که وقتی هیچکس بار سلطه خویش را بر دوش دیگران نهد و زیر بار سلطه دیگری نرود و رشد دادن استعداد خویش و دیگران را فریضه شناسد، زمان به زمان عرصه کار همگان فراختر می‌گردد. بدین‌نقار قانونی که اساس نظام نواسلامی را می‌گذارد، باید امتیازاتی را که بر زور مبتنی هستند و از موقعیت‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی منشاء می‌گیرند، ملغی کند و سعی و کار را اساس حق انسان بر محصول آن شناسد و با ایجاد امکان از بین بردن رابطه سلطه گر - زیر سلطه، میان جامعه انقلابی ما واسطه‌گران بین‌المللی و در درون جامعه خودمان، حذف همه عوارض این رابطه از جمله استثمار را ممکن گرداند.

بدین‌نقار عدالت آن نیست که جامعه را به بهانه برابری، ایستا و ساکن گردانیم. عدالت در رابطه با هدف معنی پیدا می‌کند و کوتاه‌ترین خطی است که یک جامعه فعال برای رسیدن به هدف در پیش می‌گیرد. از این‌رو مقتضی عدالت ارزیابی و انتقاد است. بنابراین قانون باید این امر را ممکن گرداند و اسباب از بین بردن انواع سانسورها را فراهم آورد تا مشارکت عموم در ساختمان جامعه توحیدی ممکن گردد.

بدینسان در جمهوری اسلامی، انسان و جامعه هدفدار تلقی می‌گردند. این هدف، رسیدن به روز بعثت، به روز فراخی و آزادی از تنگنای «ندرت»ها و فقر، فقر همه جانبه‌ای است که بشر امروز بدان گرفتار است. این هدف استقرار آن جامعه‌ای است که در آن خوب و بد هر اندیشه و هر کاری را تجربه معین می‌کند و امر به معروف و نهی از منکر جامعه را بخط

عدل نزدیک می کند و انسانها از غیریت ها آزاد می شوند و در صراط مستقیم رشد، فطرت آزاد و توحیدی خویش را باز می جویند.

با وجود این برای آنکه بزرگترین انقلاب قرن حاضر و نخستین انقلابی که خارج از موازنه قدرتها و بدون دادن مجال دخالت به آنها از راه تبلور ارزش های فوق در اندیشه و عمل مردم مسلمان ما راه پیروزی را گشود، تکرار تجربه های ناکام گذشته نگردد، در تهیه قانون اساسی از توجه به واقعیت های کشور چاره نیست. برکندن پایه های «نظام شاهنشاهی» و استوار کردن اساس استقلال و آزادی و استقرار جمهوری اسلامی برای پیروز گرداندن انسان در بنیادگذاری جامعه توحیدی نیازمند آنست که اصول ناظر به استقلال و آزادی با همان مفهوم که در اسلام دارند، اصول کلی و هدفهای عمومی تلقی گردند.

قبول حق استقلال و آزادی برای همه جامعه ها و پذیرش اخلاق و نظام ارزشی اسلامی بمثابه بنیان روابط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و جهت یابی سعی انسان در جامعه انقلابی، امکان داده اند که در اصول این قانون تصویری از جامعه جدید جهانی آزاد از روابط سلطه گر - زیر سلطه، بدست داده شود. در حقیقت رهنمود تجربه ما و کشورهای زیر سلطه دیگر اینست که رشد در وابستگی ممکن نمی شود و آزادی در جامعه ای که خود زیر سلطه است از دایره پندار بیرون نمی آید.

وجدان به این امر سبب شد که ملت ما در جریان یک بعثت فرهنگی نه تنها از یوغ سلطه فرهنگی غرب آزاد گردد و فرهنگ اسلامی خویش را به برنده ترین سلاح مبارزه حیاتی خود تبدیل کند، بلکه مردم جهان را از وجود و کاربرد این سلاح آگاه گرداند. در حقیقت ارزش های روشنگر تصویر انسان و جامعه که در انقلاب ایران متجلی شدند، جهان شمولند و انقلاب ایران بمثابه نمایشگر این ارزش ها، خود دارای ارزشی جهانی و تاریخی است. همان سان که آمد پیام این انقلاب اینست که نه تنها بیرون از مناسبات و تناسبات زور می توان انقلاب کرد، بلکه انقلاب موفق باید چنین خصیصه ای داشته باشد و ارکان و بنیادهائی که بوجود می آورد باید بنفسه مانع از بازگشت جامعه انقلابی به آن مناسبات بگردند.

بدینقرار تلاش برای پیروز گرداندن انقلاب ایران در دست یافتن به هدفهای خویش یک مسئولیت سخت خطیر و بسیار گرانقدر زنان و مردان انقلابی ایران و سراسر جهان است. چرا که دیدیم بحران و بن بست که «نظام شاهنشاهی» در آن گرفتار آمد، بحران و بن بست جهانی است. همه جا حاصل کار انسان و منابع رو و زیر زمین به قدرت تخریبی بدل می شود و صرف تباهی حال و آینده انسان می گردد. انقلاب ایران، انقلابی است علیه یک نظام جهانی تباه گر و باید جهانی بگردد. برای آنکه این انقلاب جهانی بشود، ایجاد بنیادهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی متناسب با این فرهنگ انقلابی ضرورت پیدا می کند. بدین لحاظ.

در ایجاد ارکان و بنیادهای سیاسی، دیگر حاکمیت قطعی دولت، ملت، اصل و ضابطه فرض نمی شود. ضابطه در تعیین چند و چون ارکان و بنیادها و حدود اختیاراتشان، رشد انسان بعنوان عضو جامعه در تحول بسوی نظام توحیدی می گردد. با عنایت به واقعیت های داخلی و خارجی کوشش می شود که رهبری سیاسی جامعه در عین آنکه مظهر وحدت ملت می شود، بنام این وحدت حق مردم هیچ منطقه ای را ضایع نگرداند. ملت ما که قرنها و قرنها در نظام استبدادی مسلط بر دیگران یا زیر سلطه دیگران می زیسته و همواره قدرت حکومت مجال هرگونه رشد را از او می ستانده است، محتاج بنیادها و ارکانی است که به قدرت استبدادی تحول نجویند و بار دیگر از راه تحمیل نابرابری و گستردن بساط زور و ستم، جامعه را گرفتار انواع اختلافها و خصومتها و تبعیضها نگردانند. از اینرو در حدودی که وحدت کشور و رشد عمومی جامعه و ضرورتهای محلی ایجاب می کند، از طریق شوراها و بنیادهای منطقه ای دیگر حق خودمختاری مردم هر محل به آنها باز پس داده می شود.

در ایجاد ارکان و بنیادهای اقتصادی، دیگر سودجوئی و تمرکز و تکاثر مال و سرمایه اصل شمرده نمی شود. ضابطه در تعیین چند و چون فعالیت های اقتصادی رفع نیازهای انسان در جریان رشد می گردد. از عنایت به این واقعیت زمان غفلت نمی شود که در همه نظامهای اجتماعی امروز، دستگاه اقتصادی، دستگاهی است که تحصیل حداکثر سود و تبدیل مازادها را به قدرتهای تخریبی هدف اصلی خود قرار داده است. این امر سبب می شود که بر عوامل اجتماعی تشدید فقر

باز هم افزوده گردد و منابع طبیعت روی به زوال گذارند و اقتصاد امروز همچون اسلحه خطرناکی موجودیت نسل‌های آینده را تهدید کند. از اینرو در تنظیم اصول این قانون مفهوم متداول رشد اقتصادی که فرهنگ سلطه گر غرب سعی دارد به بشر بقبولاند مورد اعتناء قرار نمی گیرد. رشد اقتصادی آنست که نه تنها امکان فعالیت اندیشه و کار انسان را وسعت بخشد بلکه نسل‌های بعدی عرصه سعی و کار پر پهناتری پیدا کنند و فعالیت اقتصادی در بطن سعی انسان در جریان رشد جا و محل پیدا کند. بدینقرار نه تنها موافق اصول این قانون، وظیفه ارکانها و بنیادهای مختلف ایجاد کار برای عموم افراد ملت است بلکه بر عهده آنهاست که بتدریج امکان شرکت فرد فرد مردم کشور را در کار رهبری و ارزیابی و ابتکار و ابداع فراهم آورند. چنان نباشد که برای بیکاران هیچ نوع کار نباشد و برای آنها هم که کار می کنند فقط یک نوع کار وجود داشته باشد که همان شرکت در تولید کالا و یا خدمت بعنوان یکی از ابزار است. ارکانها و بنیادهای اقتصادی باید با فراهم آوردن امکانات بیشتر، اشتغال بکارهای رهبری و ارزیابی و ابتکار را هر چه زودتر فراهم آورند. آنسان که نسل جوان امروز و نسل‌های آینده در عرصه های گوناگون سعی، کارمایه انقلابی را فزونی و روحیه انقلابی خویش را توان بخشند.

در ایجاد ارگانها و بنیادهای اجتماعی از توجه به این موضوع غفلت نمی شود که پیروزی انقلاب در گرو متلاشی کردن کامل سازمان اجتماعی است. سازمانی که زن و مرد و بیشتر زن را آلت تمرکز و تکاثر قدرتهای مالی و غیر آن در مقیاس جهان می کرد. از اینرو در تغییر نظام اجتماعی «شاهنشاهی» و از میان بردن قشر بندی اجتماعی بر پایه زور و ستم، به اعاده حقوق انسان بخصوص زن توجه کامل می شود. خانواده کانون رشد و تعالی انسان و واحد پیشاهنگ تلقی می گردد که در آن فرزندان مؤمن به آرمانهای این انقلاب بزرگ تربیت می گردند. ضابطه های کنونی ازدواج که بیانگر تقدم نیاز به قدرت بر سعادت و امکان رشد زوجین هستند، نفی می شوند و توافق در عقیده و علاقه ضابطه ازدواج دختران و پسران این ملت پذیرفته می گردد. قانون و اخلاق باید اسباب آزادی ازدواج جوانان را فراهم آورد و همواره حقوق خانواده را بر حقوق پدر، مادر، و یا زوجین مقدم بشمارد.

و از آنجا که در جمهوری اسلامی کار رهبری و ابداع و ابتکار و ارزیابی، از ارزش ویژه ای برخوردار می شود، این قانون برای زنان و مردان و بویژه زنان امکانات مادی و معنوی فراهم می آورد تا تعلیم و تربیت فرزندان قربانی تضییقات مادی و انواع فشارها نگردد و زنان کشور از موقعیت دون انسانی هم بعنوان «شیئی جنسی» و هم بعنوان «نیروی کار» رها گردند و با فراغت بال وظیفه پراچ مادری و مشارکت در مسئولیت هایی را به انجام رسانند که در عهده انسان پیشاهنگ عصر انقلاب است.

در ایجاد بنیادها و ارکان فرهنگی، علاوه بر عنایت به لزوم ویران کردن بنیادها و ارکان «فرهنگ شاهنشاهی» و حفظ تداوم بعثت فرهنگی که ترجمان انقلاب رهائی بخش نسل امروز است، به فراهم آوردن اسباب رشد انسان تقدم قطعی داده می شود. در حقیقت پیروزی مردم ایران در مبارزه تاریخی خویش، که در تضاد مذهب و استبداد حاکم متجلی می شد، وقتی قرین موفقیت قطعی می گردد که برداشت و تصویر اسلامی انسان در وجود انسان طراز نو تحقق پذیرد. از اینرو اصول این قانون چنان تدوین می شوند که بر اساسشان بنیادها و ارکان فرهنگی بتوانند بوجود آیند که در محیط تعلیم و تربیت، انسان ناطق ارزش والا و جهان شمول اسلامی تربیت گردد.

بدینسان این قانون اساسی هم تبلور خواستهای انقلاب اسلامی ما و هم تدارک همه جانبه برای دوام این انقلاب تا پیروزی کامل انسان، انسان پیشاهنگ و رشید و آزاد است.

اینک بر عهده همگان است که پیروی از این اصول انقلابی را وظیفه خود شناسند و بدانند که تغییر زندگی قومی که خواستار رشد، و دستیابی به خیر و کمال و زیبایی و آزادی است، باخواست و یاری خداوند، زمانی انجام پذیر است که آن قوم خود را صاحب اراده و حق حاکمیت بشمارد و در مسیر رشد گامهای استوار بردارد.

بر عهده مردم است که با انتخاب مدیران و مسئولان کاردان و مؤمن، و نظارت بر کار آنها در اجرای این قانون و مشارکت در ساختمان جامعه اسلامی انقلابی، مبارزه تاریخی خویش را به پیروزی کامل رسانند تا در جامعه اسوه، انسان

مسلمان در مسیر رشد و آزادی مسند خلیفه الهی را بازجوید و شهید بر مردم جهان گردد تا که سپیده آزادی بر سرتاسر زمین بردهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## قانون اساسی جمهوری اسلامی

### فصل اول: اصول کلی

اصل 1- نوع حکومت ایران «جمهوری اسلامی» است که ملت ایران در پی انقلاب اسلامی پیروزمندش در همه پرسى دهم و یازدهم فروردین سال یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی با اکثریت 98/2٪ به آن رأی مثبت داده است.

اصل 2- نظام جمهوری اسلامی نظامی است توحیدی بر پایه فرهنگ اصیل و پویا و انقلابی اسلام، با تکیه بر ارزش و کرامت انسان، مسئولیت او درباره خویش، نقش بنیادی تقوا در رشد او، نفی هرگونه تبعیض و سلطه جوئی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و ضرورت استفاده از دستاوردهای سودمند علوم و فرهنگ بشری در جهت التزام کامل به همه تعالیم الهی اسلام.

اصل 3- آراء عمومی مبنای حکومت است و بر طبق دستور قرآن که: «وشاور هم فی الامر» و «امرهم شوری بینهم» امور کشور بایداز طریق شوراهاى منتخب مردم در حدود صلاحیت آنان و به ترتیبی که در این قانون و قوانین ناشی از آن مشخص می شود حل و فصل گردد.

اصل 4- جمهوری اسلامی ایران در استقرار جامعه توحیدی معنویت و اخلاق اسلامی را مبنای روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار می دهد.

اصل 5- بر مبنای آیه کریمه:

يا ايهاالناس انا خلقناكم من ذكر وانثى و جعلناكم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اكرمکم عندالله اتقیکم (\*)

در جمهوری اسلامی ایران همه اقوام از قبیل فارس، ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و نظائر اینها از حقوق کاملاً مساوی برخوردارند و هیچکس را بر دیگران امتیازی نیست مگر بر اساس تقوی.

اصل 6- در جمهوری اسلامی ایران استقلال و آزادی از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. هیچ فرد یا گروه و هیچ مقام و مرجعی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، بر استقلال و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند یا به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی عقیده، بیان، قلم و آزادیهای مشروع دیگر را از کسی سلب کند یا قوانین و مقرراتی بدین منظور وضع کند مگر در حالت جنگ.

اصل 7- جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و رسیدن به استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد و بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت سلطه جویان در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین علیه مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند.

اصل 8- جمهوری اسلامی ایران با رعایت کامل موازین اقتصادی اسلامی، صنعت و کشاورزی بومی را ترویج می کند، و در عین حال از همه علوم و فنون پیشرفته جهان در امر صنعت و کشاورزی نیز استفاده می نماید، البته با رعایت کامل

استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور و جلوگیری از هرگونه وابستگی جامعه به دیگران و بدون التزام به پذیرش نظام اجتماعی حاکم بر آنها و

اصل 9- در جمهوری اسلامی سعی و کار و حاصل آن حق هر کس می باشد هیچکس نمی تواند بعنوان مالکیت بر سعی و کار خود امکان سعی و کار را از دیگری سلب کند. امکان سعی و کار برای همه باید چنان فراهم گردد که هیچکس مورد بهره کشی و استثمار دیگران قرار نگیرد.

اصل 10- جمهوری اسلامی ایران باید امکانات آموزش و پرورش را برای همه مردم کشور بطور یکسان فراهم کند تا هر کس بتواند فراخور استعدادش از آموزش و پرورش و رشد و شکوفایی برخوردار گردد و محدودیت امکانات سد راه پیشرفت او نشود.

اصل 11- خانواده واحد بنیادی جامعه انقلابی ایران محسوب می گردد. قوانین باید اسباب استواری ازدواج را بر پایه توافق در عقیده و علاقه فراهم آورد و در تنظیم آنها حقوق خانواده بر حقوق فردی زوجین مقدم شمرده شود و روابط زن و مرد باید بر مبنای طهارت و تقوی و ارزشهای والای انسانی قرار گیرد. نه بر تفاخر ظاهری و مادی و هوسرانی.

اصل 12- از آنجا که تربیت فرزندان با پدر و مادر و در دوران کودکی بیشتر با مادر است تعلیم و تربیت دختران وظیفه مقدم بنیادهای فرهنگی تلقی می شود و قوانین راجع به خانواده باید برای ما در امکانات مادی و معنوی در نظر بگیرد تا بتواند بفراتر از بوظیفه پر ارج مادری و مسئولیت هایی بپردازد که در جامعه انقلابی اسلامی بر عهده دارد.

## فصل دوم: دین رسمی کشور

اصل 13- دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری است که مذهب اکثریت مسلمانان ایران است و مذاهب دیگر اسلامی، اعم حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی معتبر و محترم است و در مناطقی که مسلمانان پیرو این مذاهب اکثریت دارند مقررات محلی در حدود اختیارات شوری ها بر طبق این مذاهب خواهند بود، ولی در احوال شخصیه و در تعلیم و تربیت دینی هر مسلمان در هر نقطه از ایران بر طبق مذهب اسلامی خود عمل می کند.

اصل 14- زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان در ایران اقلیت های رسمی دینی شناخته می شوند و در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می کنند.

## فصل سوم: حق حاکمیت ملی و قوای ناشی از آن

فصل 15- حق حاکمیت ملی از آن همه مردم است و باید به نفع عموم به کار رود و هیچ فرد یا گروهی نمی تواند این حق الهی همگانی را به خود اختصاص دهد یا در جهت منافع اختصاصی خود یا گروه معینی بکار برد.

اصل 16- قوای ناشی از اعمال حق حاکمیت ملی عبارتند از: قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه مجریه که باید همیشه مستقل از یکدیگر باشند و ارتباط میان آنها بر طبق این قانون به وسیله رئیس جمهور برقرار گردد.

اصل 17- اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای ملی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از توشیح رئیس جمهور برای اجرا به قوه قضائیه و قوه مجریه ابلاغ می گردد. در امور مهم که به سرنوشت کشور و مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مربوط باشد ممکن است تصویب قانون از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد.

اصل 18- اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که بر طبق موازین اسلام تشکیل شود و به رسیدگی به دعاوی و حل و فصل آنها و حفظ حقوق عمومی و اجرای عدالت اسلامی بپردازد.

اصل 19- اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور و هیات وزیران است.

## فصل چهارم: پرچم، زبان و خط رسمی کشور

اصل 20- پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی است.  
اصل 21- زبان و خط مشترک مردم ایران فارسی است و متون و مکاتبات رسمی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبانهای محلی در مدارس و مطبوعات محلی آزاد است.

## فصل پنجم: حقوق ملت

اصل 22- همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، در برابر قانون مساوی اند.  
اصل 23- عقیده و حیثیت و جان و مسکن و شغل اشخاص محترم و مصون از تعرض است، مگر به حکم قانون.  
اصل 24- نامه های پستی و مکالمات تلفنی از بازرسی و ضبط مصون است. افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، عدم مخابره آنها و تجسس از طریق استماع مکالمه های تلفنی ممنوع است مگر بحکم قانون.  
اصل 25- مطبوعات در نشر مطالب و بیان عقاید آزادند، مگر در نشر مطالب مخالف عفت عمومی با توهین به شعائر دینی، اتهام و افترا و تعرض به شرف و حیثیت و آبروی اشخاص یا نشر اکاذیب جرائم مطبوعاتی و کیفیت مجازات و رسیدگی به آنها را قانون معین می کند.  
اصل 26- تشکیل احزاب، جمعیت ها و انجمن های دینی، سیاسی و صنفی آزاد است مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. شرکت افراد در اینگونه گروهها آزاد است و هیچکس را نمی توان از شرکت در گروه دینی، سیاسی و اجتماعی دلخواهش منع کرد یا به شرکت در یکی از این گروهها مجبور ساخت.  
اصل 27- تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز آزاد است و مقررات مربوط به اجتماع و راهپیمایی در خیابانها و میدانهای عمومی به موجب قانون معین خواهد شد.  
اصل 28- هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی نیست برگزیند.  
اصل 29- حق استفاده از بیمه بهداشت، درمان، بیکاری، پیری و از کارافتادگی، حقی است همگانی و دولت مکلف است بر طبق قوانین با استفاده از درآمدهای ملی این بیمه ها را برای یک فرد کشور تأمین کند و در این زمینه، کشاورزان، کارگران و گروههای کم درآمد حق تقدم دارند.  
اصل 30- سلب تابعیت اشخاص فقط در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد. اتباع خارجه نیز می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند.  
اصل 31- هر کس حق دارد به منظور دادخواهی به دادگاه صالح رجوع کند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که بموجب قانون باید درباره او حکم کند منصرف کرد و به دادگاه دیگری فرستاد.  
اصل 32- اصل بر براءت است و هیچکس مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم در دادگاه صالح ثابت گردد.  
اصل 33- حکم به مجازات و اجراء آن باید به موجب قانون باشد.  
اصل 34- هیچ فعل یا ترک فعلی جرم محسوب نمی شود، مگر به استناد قانونی که پیش از وقوع آن وضع شده باشد.  
اصل 35- هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد، مگر بحکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلائل حداکثر در مدت بیست و چهار ساعت به متهم ابلاغ شود.  
اصل 36- شکنجه بدنی یا روانی جهت اقرار گرفتن ممنوع است. اجبار اشخاص به شهادت یا اقرار یا سوگند نیز در هیچ صورت مجاز نیست و چنین شهادت یا اقرار یا سوگند فاقد ارزش و اعتبار است. مجازات تخلف از این اصل را قانون معین می کند.  
اصل 37- لطمه به حرمت و حیثیت انسانی که به حکم قانون بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع است.



- اصل 38- هیچ یک از ایرانیان را نمی توان از محل اقامت خود تبعید یا از اقامت در محل دلخواهش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.
- اصل 39- هیچ حقی را نمی توان بر خلاف مبانی و هدفهایی که موجب آن شده مورد استفاده قرار داد.
- اصل 40- مالکیت شخصی که از راه مشروع به دست آید محترم است و حدود آن را قانون معین می کند.
- اصل 41- هیچ ملکی را نمی توان به عنوان نیاز عمومی از صاحبش گرفت، مگر با تصویب قانون و پرداخت قیمت عادلانه آن.
- اصل 42- هر کس حق دارد در حدود قانون از حمایت مادی و معنوی آثار علمی، ادبی، هنری و صنعتی خود برخوردار باشد.
- اصل 43- هیچکس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.
- اصل 44- زمینهای قابل کشت را بدون عذر موجه نمی توان معطل گذاشت. ضوابط مربوط به اجرای این اصل را قانون معین می کند.
- اصل 45- تبدیل اراضی قابل کشت به غیر کشاورزی ممنوع است مگر به حکم قانون.
- اصل 46- منابع زیرزمینی و دریایی و معادن و جنگلها و بیشه ها و رودخانه ها و آبهای عمومی دیگر و اراضی موات و مراتع از اموال عمومی است و نحوه اداره و بهره برداری از آنها بوسیله قوانین معین می شود.
- اصل 47- مالکیت خصوصی در صنایع، کشاورزی یا بازرگانی در صورتیکه وسیله اضرار یا تجاوز به منافع عمومی شود با تصویب مجلس شورای ملی، ملی اعلام می گردد.

## فصل ششم: قوه مقننه - مبحث اول: مجلس شورای ملی

- نمایندگان برای همه ملت لازم الاجرا است. شرایط انتخاب شوندها و انتخاب کنندگان را قانون معین خواهد کرد.
- اصل 49- دوره نمایندگی در مجلس شورای ملی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل بعمل آید بطوریکه جمهوری اسلامی هر هیچ صورت بدون مجلس نباشد.
- اصل 50- عده نمایندگان مجلس شورای ملی دویست و هفتاد نفر است و پس از هر ده سال در صورت زیاد شدن جمعیت کشور، در هر دوره انتخاباتی به نسبت هر صد و پنجاه هزار نفر یک نماینده اضافه می شود. زرتشتیان و یهودیان کشور هر کدام یک نماینده و مسیحیان دو نماینده جداگانه انتخاب می کنند و در صورت افزایش جمعیت هر یک از این اقلیت ها به ازای هر یکصد و پنجاه هزار نفر اضافی یک نماینده اضافی خواهند داشت. مقررات مربوط به انتخابات مطابق قانون معین می شود.
- اصل 51- نمایندگان باید پیش از رسمیت یافتن مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم نامه را امضاء نمایند: « من امضاء کننده این ورقه به خداوند متعال و قرآن کریم و شرف انسانی خود سوگند می خورم که نگاهبان دست آوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم و دینچه ای را که ملت به ما سپرده است بسان امینی عادل پاسداری کنم. در انجام وظایف وکالت تقوی پیشه کنم و همواره با استقلال و اعتدالی کشور و حفظ حقوق ملت پایبند باشم، از حریم قانون اساسی دفاع کنم و در گفته ها و نوشته ها و بیان عقاید خویش جز به استقلال کشور و آزادی مردم نیندیشم» (اقلیت های مذهبی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد)
- اصل 52- ترتیب انتخاب رئیس و هیأت رئیسه را مجلس و تعداد کمیسیونها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس بوسیله آئین نامه داخلی مجلس معین می گردد.
- اصل 53- مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن در روزنامه رسمی منتشر شود. به تقاضای رئیس جمهور یا نخست وزیر یا یکی از وزراء یا رئیس مجلس یا ده نفر از نمایندگان ممکن است جلسه محرمانه با حضور

همه نمایندگان یا با حضور عده خاص از آنها تشکیل شود. در صورت اخیر مصوبات این گروه خاص از نمایندگان وقتی معتبر است که به تصویب مجلس برسد.

اصل 54- وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات مجلس را دارند و در صورتیکه مجلس لازم بداند مکلف به حضورند و هر گاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می شود. وزیران می توانند مشاوران خود را نیز همراه داشته باشند.

## مبحث دوم - اختیارات و صلاحیت

اصل 55- مجلس شورای ملی در عموم مسائل و در حدود صلاحیت مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند.

اصل 56- سمت نمایندگی قائم بشخص است و قابل تعویض به دیگری نیست و هر نماینده در برابر تمام ملت مسئولیت دارد. مجلس نمی تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیاتی واگذار کند، ولی در موارد ضرور ... می تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را به کمیسیون های داخلی خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می نماید بصورت آزمایشی اجرا می شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود.

اصل 57- تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای ملی است. مفاد این ماده مانع از تفسیری نیست که دادرسان در مقام تمیز حق از قوانین می کنند.

اصل 58- بناهای دولتی و اموالی که جنبه نفایس ملی دارد، قابل انتقال بغیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای ملی.

اصل 59- تغییر در خطوط مرزی کشور در صورتی ممکن است که بتصویب سه چهارم مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی برسد.

اصل 60- دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات عمومی و اعطای امتیاز انحصار در امور تجارتي و صنعتی و کشاورزی و معادن از طرف دولت بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است.

اصل 61- عهدنامه ها و مقاله نامه های بین المللی و قراردادهای دیگر از این قبیل باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد.

اصل 62- استخدام کارشناسان و مستشاران خارجی از طرف دولت در حد احتیاج و ضرورت باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

اصل 63- گرفتن و دادن وام و کمکهای بدون عوض از طرف دولت اعم از داخله و خارجه باید با تصویب مجلس شورای ملی باشد.

اصل 64- لوایح قانونی پس از تصویب هیات وزیران به مجلس شورای ملی تقدیم می شود. طرحهای قانونی به پیشنهاد حداقل 15 نفر از نمایندگان در مجلس شورای ملی قابل طرح است.

اصل 65- طرحهای قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می کنند و به تقلیل درآمد عمومی به افزایش هزینه های عمومی می انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس خواهد بود که در آن طریق جبران کاهش در آمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.

اصل 66- مجلس شورای ملی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول مسلم اسلام و قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر طبق اصل 144 به عهده شورای نگهبانی قانون اساسی است.

اصل 67- مجلس شورای ملی حق تحقیق و تفحص در هر یک از امور کشور را دارد.

اصل 68- برقراری حکومت نظامی ممنوع است مگر هنگام جنگ بحکم قانون.

اصل 69- در هر مورد که نماینده ای از وزیر مسئول درباره موضوعی از وظایف او سؤال کند، آن وزیر موظف به جوابست و جواب نباید بیش از ده روز بتأخیر بیفتد مگر با عذر موجه.

اصل 70- نمایندگان می توانند دولت را استیضاح کنند. استیضاح در صورتی قابل طرح است که به امضاء ده (10) نفر از نمایندگان برسد. پاسخ باستیضاح باید ظرف ده روز از تاریخ تقدیم آن، از طرف دولت یا وزیر مسئول داده شود. مجلس

پس از استماع پاسخ دولت به دولت رأی اعتماد یا رأی عدم اعتماد می دهد. در صورت اخیر دولت معزول است. و نخست وزیر یا وزیر مورد استیضاح نمی تواند در هیئت دولتی که بلافاصله تشکیل می شود شرکت کند.

اصل 71- نمایندگان مجلس را نمی توان به مناسبت عقایدی که در مجلس اظهار کرده یا رأیی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب یا توقیف کرد. ولی اگر نماینده ای مرتکب جنحه یا جنایتی مشهود شود بلافاصله مورد تعقیب قرار می گیرد جریان تعقیب باید به آگاهی مجلس برسد. در صورتیکه نماینده متهم به ارتکاب جرم غیر مشهود باشد، به شرط سلب مصونیت تحت تعقیب قرار می گیرد.

اصل 72- هیأت وزیران پس از تشکیل و معرفی و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف، دولت می تواند از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.

اصل 73- هر کس شکایتی از روش کار نمایندگان مجلس و یا قوه قضائی داشته باشد، می تواند به مجلس شورای ملی اعلام کند. هر گاه شکایت درباره نماینده یا نمایندگان مجلس باشد، باید به او پاسخ کافی داده شود و اگر راجع به دولت یا سیاست قضائی باشد به وزارتخانه مسئول فرستاده می شود تا مورد رسیدگی قرار گیرد.

## مبحث سوم: شوراهای منطقه ای

اصل 74- برای تأمین رفاه عمومی و پیشبرد اصطلاحات بهداشتی و آموزشی و فرهنگی و اقتصادی، با توجه به مقتضیات بومی و جلب همکاری مردم در این مقاصد، اداره امور هر روستا و بخش و شهر و شهرستان و استان با نظارت شورائی به نام شورای ده یا بخش یا شهر یا شهرستان، یا استان که اعضای آنرا مردم همان محل انتخاب می کنند، صورت می گیرد. حدود اختیارات، و عمل و نحوه نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون تعیین می کند.

## فصل هفتم: قوه مجریه

### مبحث اول: رئیس جمهوری

اصل 75- رئیس جمهوری بالاترین مقام رسمی کشور در امور داخلی و روابط بین المللی است و اجرای قانون اساسی است و تنظیم روابط قوای سه گانه و ریاست قوه مجریه را بعهده دارد.

اصل 76- رئیس جمهوری باید مسلمان و ایرانی الاصل و تابع ایران باشد.

اصل 77- رئیس جمهوری برای مدت چهار سال از راه مراجعه مستقیم به آراء عمومی انتخاب می شود و انتخاب متوالی او تنها برای یک دوره دیگر امکان دارد.

اصل 78- داوطلبان احراز مقام ریاست جمهوری باید آمادگی خویش را بطور رسمی اعلام کنند. نحوه انجام انتخاب رئیس جمهوری را قانون تعیین می کند.

اصل 79- رئیس جمهوری به اکثریت مطلق آراء شرکت کنندگان انتخاب می شود، ولی هرگاه در دور نخست هیچیک از داوطلبان نتواند چنین اکثریتی بدست آورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته می شود در دور دوم تنها دو نفر از داوطلبانی که دور نخست آراء بیشتری بدست آورده اند شرکت می کنند، لیکن اگر بعضی از داوطلبان برنده آن دوره، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، انتخاب از میان دو داوطلبی صورت می گیرد که بیش از دیگران رأی داشته باشد. شورای نگهبان قانون اساسی بر انتخابات نظارت و نتیجه را اعلام می کند. در نخستین دوره انتخاب رئیس جمهوری انجمن عالی نظار که طبق آئین نامه تشکیل می شود، نظارت بر انتخاب رئیس جمهوری را بر عهده دارد.

اصل 80- انتخاب رئیس جمهوری جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری انجام شود و در فاصله انتخاب رئیس جمهوری جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق، رئیس جمهوری پیشین وظایف ریاست جمهوری را انجام می دهد.

اصل 81- هر گاه در ده روز پیش از روز رأی گیری یکی از داوطلبان فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته بتأخیر می افتد، اگر در فاصله دور نخست و در دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند مهلت انتخابات تجدید می شود.

اصل 82- رئیس جمهوری در مجلس شورای ملی در جلسه ای که با حضور رئیس دیوانعالی کشور و اعضای شورای نگهبان قانون اساسی تشکیل می شود، سوگند نامه زیر را قرائت و امضاء می کند.

« من، بعنوان رئیس جمهوری در پیشگاه ملت ایران، به خداوند قادر و متعال و قرآن کریم سوگند یاد می کنم که پاسدار قانون اساسی و نگاهبان دین رسمی کشور باشم و همه وجود و استعداد و صلاحیت خویش را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور و ترویج اخلاق و پشتیبانی از حق و عدالت سازم، از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم و در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر و ائمه اطهار علیه السلام قدرتی را که ملت بعنوان امانتی مقدس به من سپرده است، همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم».

اصل 83- توشیح قوانین با رئیس جمهور است ولی خودداری او از توشیح قانون در مهلت مقرر، جز در موارد مصرح در قانون اساسی، نمی تواند اجرای قوانین را پس از انقضای مهلت توشیح و متوقف سازد، یا به تأخیر اندازد. مهلت توشیح قانون ده روز از تاریخ ابلاغ قانون به نخست وزیر است.

اصل 84- رئیس جمهور می تواند در مهلت توشیح، مصوبات مجلس شورای ملی را که برخلاف قانون اساسی یا اصول مسلم و احکام شرعی می بیند، با ذکر دلایل خود، برای اصلاح و بررسی مجدد آن به مجلس بازگرداند، در اینصورت قانونی که پس از شور مجدد بتصویب مجلس شورای ملی می رسد، باید ظرف مهلت مقرر به توشیح برسد و هرگاه ریاست جمهوری آنرا باز هم معارض با قانون اساسی یا اصول مسلم و احکام شرعی بدانند مراتب را به شورای نگهبان اعلام می کند.

اصل 85- در امور مالی نیز، هر گاه ریاست جمهوری اجرای قانون را به مصلحت نبیند، می تواند تجدید نظر در آنرا با ذکر دلایل از مجلس بخواهد ولی پس از تصویب مجدد باید آنرا توشیح کند. درخواست تجدید نظر نیز باید تا پایان مهلت توشیح انجام شود.

اصل 86- در مواردی که به پیشنهاد رئیس جمهور، تصویب عهدنامه لایحه ای به همه پرسى گذارده می شود، مهلت توشیح قانون از تاریخی آغاز می شود که نتیجه همه پرسى بوسیله شورای نگهبان اعلام می گردد.

اصل 87- رئیس جمهور نخست وزیر را انتخاب می کند.

اصل 88- رئیس جمهور در حدود اختیارات خویش در برابر ملت مسئول است.

اصل 89- هرگاه بین قوه مجریه و مجلس شورای ملی اختلاف نظر بوجود آید و توافق ممکن نگردد، رئیس جمهور می تواند از راه همه پرسى انحلال مجلس شورای ملی را به تصویب ملت برساند و در صورت انحلال باید بلافاصله انتخابات جدید مجلس اعلام و ترتیبی داده شود که مجلس جدید حداکثر طی 6 هفته از تاریخ انحلال کار خود را آغاز کند. رئیس جمهور در هر دوره ریاست جمهوری فقط یکبار از این حق استفاده کند.

اصل 90- اعلام عفو عمومی پس از تصویب مجلس شورای ملی با رئیس جمهور است، همچنین رئیس جمهور حق دارد در حدود قوانین مجازات محکومان را تخفیف دهد.

اصل 91- اعطای نشانها و عناوین افتخاری دولت با رئیس جمهور است.

اصل 92- رئیس جمهور استوارنامه سفیران اعزامی به کشورهای بیگانه را امضاء می کند و استوارنامه سفیران کشورهای بیگانه را می پذیرد.

اصل 93- فرماندهی کل نیروهای نظامی با رئیس جمهور است. رئیس کل ستاد ارتش جمهوری اسلامی به پیشنهاد هیات وزیران و تصویب رئیس جمهور تعیین می شود.

اصل 94- امضای عهدنامه های دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است که پس از تصویب مجلس شورای ملی انجام می شود.

اصل 95- اعلان جنگ و متارکه پیمان صلح پس از تصویب مجلس شورای ملی با رئیس جمهور است مگر در موارد فوری و اضطراری که رئیس جمهور با مشورت هیات وزیران تصمیم می گیرد.

اصل 96- رئیس جمهور در صورت لزوم می تواند از طریق پیامی که توسط نخست وزیر در مجلس قرائت می شود نظرهای خود را با اطلاع نمایندگان برساند، این پیام مورد بحث قرار نمی گیرد.

اصل 97- در مورد غیبت یا بیماری رئیس جمهور، شورائی بنام شورای موقت ریاست جمهوری مرکب از: نخست وزیر، رئیس مجلس شورای ملی و رئیس دیوانعالی کشور، وظایف او را انجام می دهد، مشروط بر اینکه عذر رئیس جمهور برای مدتی بیش از دو ماه نباشد.

اصل 98- در صورت فوت یا کناره گیری رئیس جمهور یا بیماری طولانی و یا سایر موجباتی که مانع از اجرای وظایف وی شود وظایف و اختیارات رئیس جمهور باستثنای اختیار مربوط به درخواست تجدید نظر نسبت به مصوبات مجلس و اقدام به همه پرسی موقت با شورای موقت ریاست جمهوری است و این شورا حداقل یک ماه و حداکثر پنجاه روز پس از احراز آن موجبات نسبت به انتخابات رئیس جمهور جدید اقدام می کند.

اصل 99- در مدتی که وظایف رئیس جمهور بعهده شورای موقت ریاست جمهوری است، نمی توان دولت را استیضاح کرد یا به آن رأی عدم اعتماد داد و یا تجدید نظر در قانون اساسی را عنوان کرد.

اصل 100- هرگاه رئیس جمهور لازم بدانند، جلسه هیات وزیران در حضور وی و بریاست او تشکیل می شود.

اصل 101- تصویب نامه ها آئین نامه های دولت، پس از تصویب هیات وزیران، به اطلاع رئیس جمهور می رسد و در صورتیکه رئیس جمهور این مصوبه ها را برخلاف قوانین بیابد می تواند برای تجدید نظر به هیات وزیران بفرستد.

اصل 102- هرگاه رئیس جمهور به خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور متهم شود، مجلس شورای ملی باید به اتهام او رسیدگی کند و اگر سه چهارم همه نمایندگان مجلس رأی به تعقیب او دادند هیات عمومی دیوان عالی کشور به اتهام رسیدگی و بر طبق قوانین عمومی مجازات او را معین می کند. پس از رأی مجلس به تعقیب تا صدور رأی نهایی دیوان عالی کشور رئیس جمهور از مقام خود معلق است و وظایف او را شورای موقت ریاست جمهوری انجام می دهد.

## مبحث دوم: هیات وزیران

اصل 103- وزراء به پیشنهاد نخست وزیر و تصویب رئیس جمهور معین می شوند. اداره امور کشور بعهده هیات وزیران و مسئولیت اجرایی کلیه سازمانهای کشوری و لشگری با این هیات است. تعداد وزیران و حدود صلاحیت هر یک از آنان را قانون معین می کند.

اصل 104- ریاست هیات وزیران با نخست وزیر است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیم های دولت می پردازد و با همکاری وزیران خط مشی سیاسی دولت را تعیین و اجرای قوانین را تأمین می کند. نخست وزیر در برابر مجلس مسئول اقدامات وزیران است.

اصل 105- نخست وزیر تا زمانیکه مورد اعتماد مجلس است در سمت خود باقی می ماند. استعفای دولت به رئیس جمهور تقدیم می شود و یا تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه می دهد.

اصل 106- هیچکس نمی تواند به مقام نخست وزیری و وزارت برسد مگر اینکه مسلمان و ایرانی الاصل و تابع ایران باشد.

اصل 107- وزیران در برابر مجلس شورای ملی مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند و تا زمانی بکار خود ادامه می دهد که در اجرای وظایف خود مورد اعتماد مجلس باشد.

اصل 108- نخست وزیر می تواند با تصویب رئیس جمهور، وزیری را عزل کند و دیگری را بجای او برگزیند، ولی هرگاه پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت، نیمی از اعضای هیات وزیران تغییر کند، دولت باید مجدداً تقاضای رأی اعتماد کند.

اصل 109- علاوه بر مواردی که هیات وزیران یا وزیری مأمور تدوین آئین نامه های اجرائی قوانین می شود، هیات وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری بوضع تصویب نامه و آئین نامه و نظامنامه پردازد، ولی مفاد این مقررات هیچگاه نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیات وزیران، حق وضع آئین نامه و صدور بخشنامه را دارد.

اصل 110- صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی و ارجاع آن به داوری موکول به تصویب هیات وزیران در هر مورد است.

اصل 111- نخست وزیر و هر یک از وزیران در صورتیکه متهم به خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور گردند، اتهام آنها در مجلس مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و چنانچه اکثریت مجلس رأی داد، تعقیب متهم در هیات عمومی دیوانعالی کشور بعمل می آید، مجازات این جرائم تابع قوانین عمومی است.

112- رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و نخست وزیر و وزیران در مورد جرائم عمومی، پس از تصویب مجلس شورای ملی، در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می شود.

### مبحث سوم: امور مالی

اصل 113- هیچ نوع مالیات وضع نمی شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی نیز به موجب قانون معین می شود.

اصل 114- نظام مالیاتی باید عادلانه و مردمی باشد و چنان برقرار شود که هر کس از مواهب طبیعی بهره بیشتر برد، بار هزینه های عمومی را بیشتر بدوش کشد.

اصل 115- بودجه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می شود از طرف دولت تهیه و برای تصویب به مجلس شورای ملی تسلیم خواهد شد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

اصل 116- کلیه دریافتهای مربوط به دولت در حسابهای خزانه داری کل متمرکز می شود و تمام پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می گیرد.

اصل 117- دیوان محاسبات کشور و سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استان ها به موجب قانون تشکیل و تعیین خواهد شد.

اصل 118- مجلس شورای ملی عده کافی بعنوان مستشار دیوان محاسبات به ترتیبی که قانون معین می کند انتخاب خواهد کرد.

اصل 119- دیوان محاسبات کلیه حسابهای وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی و سایر دستگاههایی بنحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می کنند به ترتیبی که قانون مقرر می دارد رسیدگی و یا حسابرسی می نماید و مراقبت خواهد کرد که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد حسابها و اسناد و مدارک مربوط را برابر قانون جمع آوری و لایحه تفریغ بودجه هر سال را بانضمام نظرات خود به مجلس شورای ملی تسلیم می نماید.

### مبحث چهارم: ارتش

اصل 120- ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور را بعهده دارد.

اصل 121- هیچ افسر و سرباز خارجی به خدمت نظام ایران قبول نمی شود. عبور یا اقامت نیروی نظامی خارجی از کشور تنها با رعایت مصالح کشور، آنها را با تشخیص و تصویب سه چهارم کل نمایندگان مجلس شورای ملی ممکن است.

اصل 122- هزینه های نظامی سالانه از طرف مجلس شورای ملی تصویب می شود که در آن هزینه خرید اسلحه باید به صراحت معین و ضرورت تهیه انواع آن توجیه شود.

اصل 123- استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی، هر چند بعنوان استفاده های صلح آمیز در ایران ممنوع است.

اصل 124- ترفیع درجه نظامیان و سلب آن بموجب قانون است.

## فصل هشتم: قوه قضائیه

اصل 125- محاکم دادگستری مرجع رسمی تظلمات عمومی است. تشکیل محاکم و تعیین صلاحیت محاکم منوط به حکم قانون است و کسی نمی تواند به هیچ عنوان دادگاهی تشکیل دهد.

اصل 126- قوه قضائیه مستقل و رئیس جمهور ضامن استقلال شورای عالی قضائی در حدود اصل 138 این قانون لوازم و مقتضیات این استقلال را فراهم می آورد و در حفظ آن با رئیس جمهور همکاری می کند.

اصل 127- تشکیل محاکم اختصاصی جز در موارد مصرح در این قانون ممنوع است، ولی ممکن است برخی از شعب محاکم عمومی بنوع خاصی از دعاوی رسیدگی کنند.

اصل 128- دیوانعالی کشور بمنظور نظارت بر اجرای قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی تشکیل می شود.

اصل 129- قضات محاکم را نمی توان از مقامی که شاغل آنند بطور موقت یا دائم بدون محاکمه و ثبوت جرم منفصل کرد یا محل خدمت یا سمت آنان را بدون رضای آنها تغییر داد، تغییر محل و سمت بازپرسان با تصویب شورای عالی قضائی ممکن است.

اصل 130- محکمه باید حکم هر دعوی را با توجه به قوانین و سایر منابع حقوق اعلام کند و نمی تواند بطور عام رأی دهد و قاعده کلی بوجود آورد.

اصل 131- احکام دادگاهها باید مستدل و حاوی مواد قانونی و اصولی باشد که بر طبق آنها حکم صادر شده است. تخلف از این اصل موجب نقض حکم در دیوان کشور می شود.

اصل 132- محاکمات علنی انجام می شود مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن مخالف نظام یا منافی عفت عمومی باشد.

اصل 133- رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعات در محاکم دادگستری و با حضور هیات منصفه صورت می گیرد.

اصل 134- دادگاههای دادگستری مکلفند به دعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده حکم داده یا فصل نمایند و در صورتیکه قوانین موضوعه کشوری کامل یا صریح نبوده و یا متناقض باشد یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه و مفاد قوانین موضوعه و شرع و عرف و عادت قضیه را حل و فصل نمایند.

اصل 135- در مواردی که قاضی نتواند حکم دعاوی حقوق را در قوانین موضوعه بیابد، باید با الهام از قواعد شرع، عرف و عادت مسلم و آنچه عدالت و مصالح عمومی اقتضا دارد، حکم قضیه را صادر کند.

اصل 136- قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آئین نامه ها و نظامنامه های دولتی که مخالف با قوانین یا خارج از حدود وظایف قوه مجریه است، خودداری کنند و هر ذینفعی حق دارد ابطال اینگونه مقررات را از شورای دولتی بخواهد.

اصل 137- برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می شود. به جرایم عمومی نظامیان و به کلیه جرائم افسران و درجه داران و افراد و کارمندان شهربانی و ژاندارمری در محاکم عمومی رسیدگی می شود.

اصل 138- شورای عالی قضائی اداره امور مربوط به قوه قضائیه اعم از استخدام و نصب و عزل قضات و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها را بعهده دارد. این شورا مرکب است از:

1- سه نفر از مستشاران یا رؤسای شعب دیوان عالی کشور، به انتخاب آن دیوان.

2- شش نفر از قضاتی که دارای لااقل دهسال سابقه خدمت قضائی باشند بترتیبی که قانون معین می کند.

3- رئیس دیوان عالی کشور که ریاست شوری را نیز بعهده دارد.

4- دادستان کل کشور

اعضای انتخابی شوری به مدت پنجسال انتخاب می شوند. چگونگی تقسیم کار بین اعضای شورا و سازمان آنرا قانون معین می کند.

اصل 139- حکم انتصاب رئیس دیوان عالی کشور و رؤسای شعب و مستشاران و دادستان کل کشور به امضای رئیس جمهور صادر می شود و سایر احکام به امضای وزیر دادگستری می رسد.

### فصل نهم: دیوان عدالت اداری

اصل 140- بمنظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آئین نامه های دولتی، و احقاق حقوق آنها دیوانی بنام دیوان عدالت اداری تأسیس می گردد، حدود و اختیارات و نحوه عمل این دیوان را با رعایت استقلال قوه قضائیه، قانون تعیین می کند.

### فصل دهم: شورای نگهبان قانون اساسی

اصل 141- بمنظور پاسداری از قانون اساسی از نظر انطباق قوانین عادی با آن شورای نگهبان قانون اساسی به ترتیب زیر تشکیل می شود:

1- پنج نفر از میان مجتهدان در مسائل شرعی که آگاه به مقتضیات زمان هم باشند. مجلس شورای ملی این پنج نفر را از فهرست اسامی پیشنهادی مراجع معروف تقلید انتخاب می کند.

2- شش نفر از صاحب نظران در مسائل حقوقی، سه نفر از اساتید دانشکده های حقوق کشور و سه نفر از قضات دیوان عالی کشور که به وسیله، مجلس شورای ملی از دو گروه مزبور انتخاب می شوند.

اصل 142- این اشخاص برای مدت دهسال انتخاب می شوند ولی در نخستین دوره، پس از پنجسال از هر گروه دو نفر به قید قرعه تغییر می یابند و انتخاب مجدد اعضا ممکن نیست. ریاست شورا به انتخاب اعضای آن است.

اصل 143- شورای نگهبان به درخواست یکی از مراجع معروف تقلید، یا رئیس جمهور یا رئیس دیوانعالی کشور یا دادستان کل کشور صلاحیت رسیدگی به قوانین را پیدا می کند. مشروط بر اینکه از تاریخ توشیح قانون بیش از یک ماه نگذشته باشد.

اصل 144- در صورتی که شوری قانون عادی را به دلیل مخالفت صریح با اصول مسلم شرعی یا سایر اصول این قانون متعارض با قانون اساسی بداند، آنرا برای تجدید نظر با ذکر دلایل تعارض به مجلس بر می گرداند و مجلس با توجه به دلایل ذکر شده تجدید نظر بعمل می آورد.

اصل 145- تصمیم های شورای نگهبان با رأی حداقل دوسوم اعضا معتبر است.

اصل 146- شورای نگهبان نظارت بر انتخاب رئیس جمهور و مراجعه به آراء عمومی (رفراندوم) را نیز بعهده دارد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید از طرف رئیس جمهور یا دو سوم نمایندگان مجلس شورای ملی باشد و برای اجرا به شورای نگهبان تسلیم گردد.

### فصل یازدهم

اصل 147- هرگاه اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی یا رئیس جمهور به پیشنهاد هیات وزیران، لزوم تجدید نظر در یک یا چند اصل از قانون اساسی را عنوان کنند، طرح یا لایحه تجدید نظر از طرف مجلس یا هیات وزیران تهیه و مورد



بررسی مجلس شورای ملی واقع می شود، این متن پس از تصویب سه چهارم نمایندگان مجلس باید توسط رفراندوم مورد تأیید ملت قرار گیرد اصل اسلامی بودن نظام حکومتی کشور مشمول این مطلب نیست.

اصل 148- هیچکس نمی تواند بیش از یکی از مقام های زیر را دارا باشد. قبول مقام دیگر بمنزله استعفای از مقام نخست است. ریاست جمهور، نخست وزیری و نیابت آن، وزارت و قائم مقامی و معاونت آن استانداری و فرمانداری، نمایندگی مجلس شورای ملی، عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی، عضویت در شورای عالی قضائی.

تنها نخست وزیر درمورد تصدی وزارتخانه های دیگر از این قاعده مستثنی است.

اصل 149- مقامات یاد شده در اصل پیش، با تصدی مقام قضاء و دادستانی (جز در مورد عضویت قضات در شورای نگهبان و شورای عالی قضائی) و هرگونه وظیفه اداری دولتی و هر نوع شغل در مؤسساتی که تمام یا بخشی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نیز با ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیاتهای مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی و یا وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی منافات دارد. سمتهای آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات علمی از این قاعده مستثنی است.

## فصل دوازدهم

اصل 150- وسائل تبلیغ عامه (رادیو و تلویزیون) که دولتی هستند، آزادی انتشار اطلاعات باید تأمین باشد. این رسانه ها تحت نظارت مشترک قوای سه گانه اداره خواهند شد. ترتیب آنرا قانون معین می کند.